

آثار زربفت گنجینه هنرهای تزئینی ایران

خاطره کریمی*

پیشینه زری بافی در ایران

در لغتنامه دهخدا معنی «زری» چنین بیان شده است: «زری یک صفت نسبی منسوب به زر است، یعنی ساخته شده از زر، زرین، طلایی. زری عبارت است از پارچه‌های زربفت. پارچه‌ای که بوده‌های آن از طلا است و زرباف و زری بافی عمل بافتن زری و زربفت بافی است.»

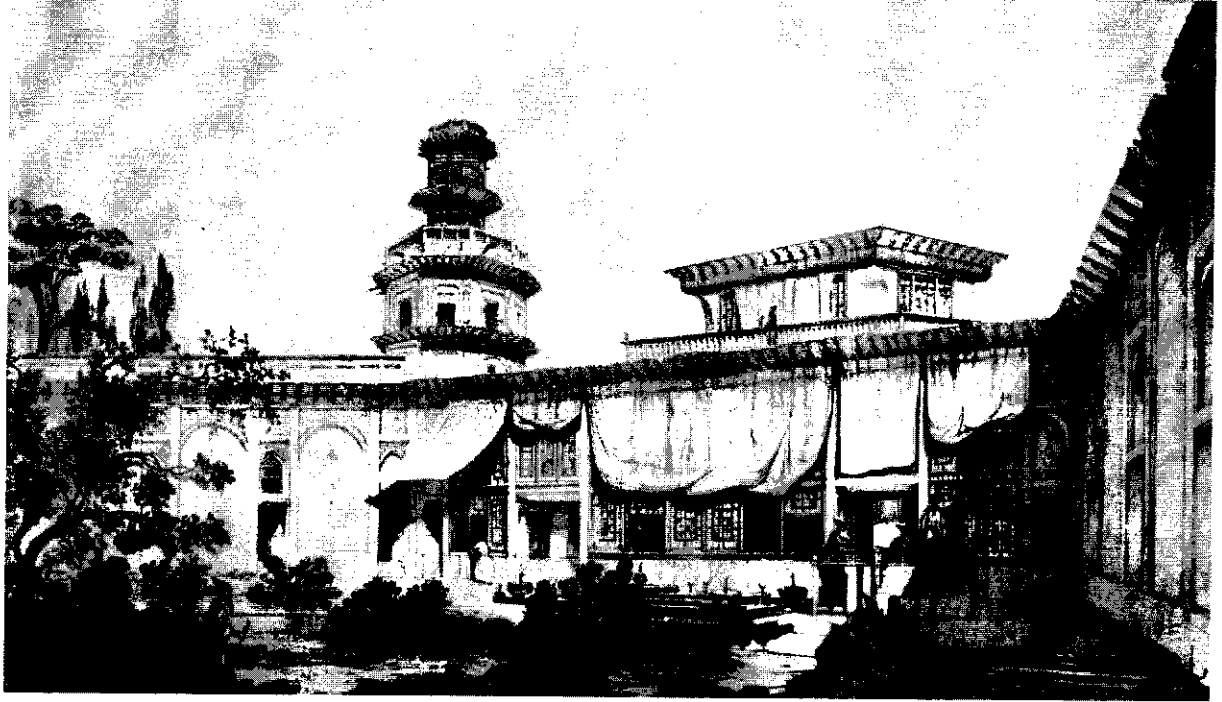
نیاز به پوشش باعث شد بشر ذوق خود را به کار گرفته و از مرحله استفاده از الیاف و برگ درختان و پوست حیوانات تا مرحله بافت بوریاء، حصیر و سرانجام حریر، اطلس، مخمل و زری پیش رود و بدین سان شالوده بافندگی بنا نهاده شد. کاوش‌ها و پژوهش‌های دانشمندان و پژوهشگران در صدساله اخیر نشان داده که ایرانیان از پیشتازان فن بافندگی بوده‌اند. حتی ساکنان ایران در دوره دوم نوسنگی با فن پارچه بافی آشنا بوده و بهترین گواه برای اثبات این واقعیت سفال‌ها، نگین‌ها و مهره‌هایی هستند که به هشت هزار سال قبل از میلاد مربوط می‌شوند. نساجی سنتی یکی از قدیمی‌ترین هنرهای سنتی ایران محسوب می‌شود. هرودت مورخ شهیر یونانی از نساجی ایران در ادوار قبل از میلاد تعریف کرده و فردوسی شاعر بلندمرتبه ایرانی از جمشید پادشاه کیانی به‌عنوان مخترع دستگاه بافندگی یاد می‌کند.

از نقوش بازمانده بر روی تیغه‌های مفرغی مربوط به عهد اول شوش معلوم می‌شود که در حدود ۲۵۰۰ سال ق.م بافت پارچه‌های لطیف حتی با دستگاه بافندگی معمول بوده است. منسوجات به دست آمده در شوش مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م گواه بر این مدعا است.

با وجود اینکه درباره نوع پوشاک در دوره مادها مدارک چندانی در دست نیست، از گفته‌های مورخان چنین برمی‌آید که در دوره مادها پارچه‌های زیبایی تهیه می‌شده است، چنانکه کورش هخامنشی تحت تأثیر زیبایی این لباسها از نزدیکان خود خواست تا مانند مادها لباس بپوشند.

بنا بر اشاره اوستا، نساجی ایران در زمان هخامنشی در زمینه بافت پارچه‌های ابریشمی و پشمی نرم و لطیف مشهور بوده و شاهان هخامنشی به پوشیدن لباسهای زیبا و فاخر شهرت داشته‌اند. پادشاهان این سلسله قصرهای خود را با پرده‌های رنگارنگ و زیبا تزئین می‌کرده‌اند. بر اساس نوشته‌های هرودت، اسکندر مقدونی از زمان ورود به ایران تا هنگام مرگ لباسهای زربفت ایرانی می‌پوشید. همچنین رومی‌ها به دلیل اشتها جهانی پارچه‌های زری ایرانی که اغلب آنها

* - کارشناس موزه هنرهای تزئینی ایران



عمارت رکیب‌خانه
گنجینه هنرهای تزئینی اصفهان



پرنندگان و سواران در حال شکار، نقش فیل، شیر، شتر، عقاب و طاووس بوده و از زمان اشکانیان تا ساسانیان بالاترین رنگها به ترتیب آبی آسمانی، آبی لاجوردی و سبز بوده که با گذشت زمان کم‌کم رنگهای سفید، مشکی و زرد نیز به آن اضافه شده است.»

از پایان دوره ساسانی تا آغاز دوره سلجوقی صنعت بافندگی درخشندگی و پیشرفت خود را از دست داد و آنچنان سیر نزولی پیمود که هرگز گمان نمی‌رفت بار دیگر شکوفا شود. با این همه در دوره سلجوقی صنعت نساجی و بافت زری با ایستادگی هرچه تمامتر بار دیگر خود را نمایان ساخت و جزو نجیب‌ترین و اصیل‌ترین حرفه‌ها محسوب گردید. طرح زربفت نقوش حیوانات مانند شیر، سیمرغ، عقاب، طاووس، شیر بالدار در متن پارچه‌های سلجوقی از طرحهای شناخته شده پارچه‌بافی در این دوره است. بافندگان این دوره صحنه‌های لطیف و شاعرانه و مناظر طبیعی را از روی نقاشیهای همعصر خود تقلید می‌کردند. همچنین از رنگهای آبی، زرد، سفید و سیاه استفاده می‌شد. عصر مغول سالهای فترت در صنعت نساجی است. در این دوره زری بافان از ترس جان پنهانی می‌زیستند. در عهد ایلخانان بافت زری رونق داشته است. این بطوطه نیز به نوعی پارچه زربفت بسیار مرغوب که در شهر تبریز بافته می‌شده اشاره کرده است. در دوره تیموری نیز شهرهای تبریز، هرات، سمرقند در تولید زری معروف بودند.

دارای رنگ آبی بودند، همه ساله مبالغ هنگفتی برای تهیه این پارچه‌ها پرداخت می‌کردند. پس از انقراض دولت هخامنشی مدت پنج قرن در بسیاری از هنرها و صنایع از جمله بافندگی پیشرفت چندانی به وجود نیامد، چنانکه از زمان اشکانیان بجز چند تکه پارچه ابریشمی، بافته‌های دیگری در دست نیست.

دوره ساسانی از درخشانترین و گویاترین دوره‌ها از نظر صنعت نساجی بوده است. هنر و صنعت در این دوره بزرگترین سرمایه کشور بوده و ایران مقام مهمی در تجارت جهانی داشته است. مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: «نیعی از شوکت و عظمت این دوره را باید در توسعه صنایع از جمله بافندگی جست‌وجو کرد.» در این دوره حتی نقوش و طرحهای ایرانی هنر و صنعت کشور چین را نیز تحت تأثیر قرار داد. تکه‌های زیادی از پارچه‌های ساسانی که گلهای زیبا و صورت حیوانات عجیب در آنها بافته شده بود از راه تجارت در قرون وسطی و یا جنگهای صلیبی به اروپا برده شده و در لفاقه اشیای متبرک کلیساها قرار داده شد، حتی بیرق امپراتوری روم نیز از پارچه‌های نفیس ساسانی تهیه می‌شده است.

سید حسن مژگانی نویسنده گلهای ابریشمی (بدون ذکر سند) از قول مسافر چینی به نام «هیوان تسانگ» که در سال ۶۳۰ میلادی به ایران سفر کرده است، می‌نویسد: «پارچه‌های ایرانی مجموعه‌ای از دوایر، رنگها، نقوش و اشکال هندسی، تصاویر حیوانات،

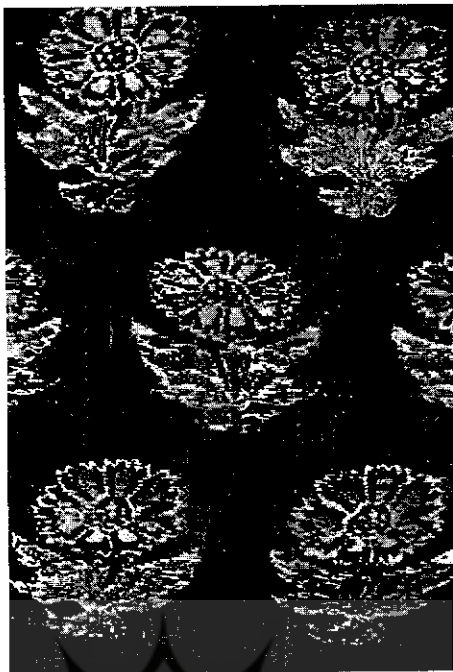
ویژگیهای زری بافی در عهد صفوی

منسوجات سده دهم هجری شدیداً تحت تأثیر صحنه‌های توصیفی برگرفته از مینیاتورها قرار داشتند. موضوع نقشه‌ها برگرفته از داستانهای شاهنامه و منظومه‌های شاعران معروف ایران با مناظری از شاهزادگان و اشراف در شکارگاهها، بزم‌های شاعرانه، لیلی و مجنون و تصاویر انسانها، نقوش گل و برگهای اسلیمی، پرندگان و حیوانات و... بود. صحنه‌های شکار مورد توجه بوده و نقوش انسانی و عناصر تصویری در ردیفهای منظم، گاه رو به چپ و گاه رو به راست به کار رفته‌اند. شیوه ترسیم پیکرها، کمی فربه با خمیدگیهای قوس‌مانند بوده که این شیوه به رضا عباسی نقاش نامدار دربار شاه‌عباس اختصاص دارد. در این پارچه‌ها ترنج‌بندی و حاشیه به کار نمی‌رفته و صرفاً با عوض کردن رنگ گل نقشها در هر بار تکرار و با به کارگیری جزئیات نقوش گیاهی بین آنها جدایی می‌انداختند.

صحنه‌های زندگی روزمره از ویژگیهای نگارگری سده یازدهم در ایران شناخته شده است. نقش تکی جوانان در میان مناظر طبیعی و درختان سرو زینت‌بخش زربفت‌ها و ابریشمینه‌های این دوره است. به‌طور کلی می‌توان گفت که نساجی دوره صفوی در پیروی از دو مکتب انجام می‌شد:

الف: مکتبی که سبک آن در طراحی نقوش غالباً با استفاده از طرحها و نقوش کوچک بوده که در یک طرح کلی با هم هماهنگی داشته‌اند. از مشهورترین استادان این فن می‌توان از خواجه غیاث‌الدین علی نقشبند و پسران وی عبدالله، معزالدین، حسن و یحیی‌بن غیاث و آبان محمد، محمدخان کاشی، علی‌خان و اسمعیل کاشانی نام برد.

ب: سبک دوم به شیوه رضا عباسی یا همان مکتب اصفهان مشهور است و در آن استفاده از طرحهای بزرگ و عمدتاً نقش انسان و طبیعت به شیوه ایرانی مرسوم بوده است. در این زمان شهرهای اصفهان، اَبیانه، یزد و کاشان پایگاههای آفرینش هنری زری بافی بوده و حاصل کارشان بافته‌های زیبایی است که بیشتر آنها در خارج از کشور نگهداری



هنر زری بافی که راه دراز و پر محنتی را در مسیر تاریخی خود طی کرده بود در دوره صفویه مورد استقبال واقعی قرار گرفت و از نظر تنوع بافت، نقش و رنگ به اوج زیبایی خود رسید. شاید یکی از دلایل این امر حمایت شاهان و حکمرانان صفوی از این منسوج افسانه‌ای ایرانی باشد. در زمان شاه‌عباس صفوی با تأسیس کارگاههای شاهی از تمام هنرمندان زری باف خواستند که به اصفهان کوچ کرده و برای زنده کردن این هنر اصیل تلاش کنند. در پرتو حمایت شاهان صفوی پیشرفت زیادی در پارچه بافی و به‌خصوص زری بافی به وجود آمد. هنرمندان در این دوره اعجاز کردند، به طوری که پارچه‌های تولید شده در این زمان در تمام تاریخ هنر نساجی جهان یگانه است.

در دوره قاجار نیز زری بافی این فن اصیل ایرانی که در روزگار رونق و رواج خود شهره آفاق بود، نظر هنرمندان را به خود معطوف کرد. اگر چه بر اثر بی‌توجهی پادشاهان و بی‌لیاقتی‌ها و افت و خیزهای سیاسی پای سست کرد، اما سینه به سینه حفظ شد و در دوران معاصر به یاری استادکاران کارگاههای زری بافی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادامه یافته است.



می‌شوند. از معروفترین استادان این سبک نیز می‌توان از محمدخان، علی و اسمعیل کاشانی و معین که وی نیز اهل کاشان بوده و آقا محمود مغیث اصفهانی نام برد.

مواد اولیه و طرز تهیه پارچه‌های زربفت

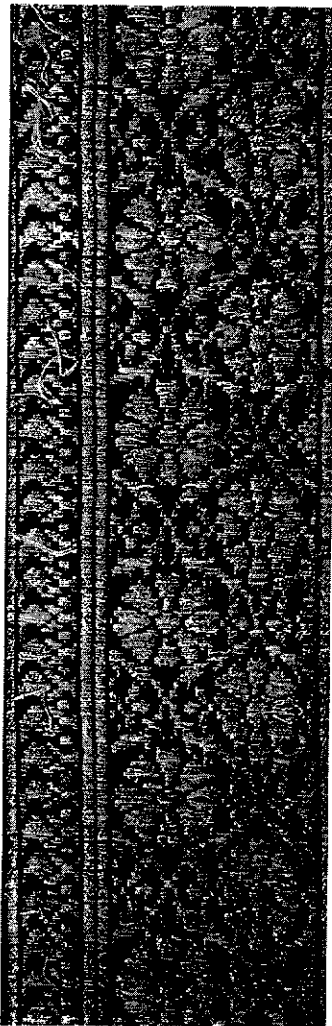
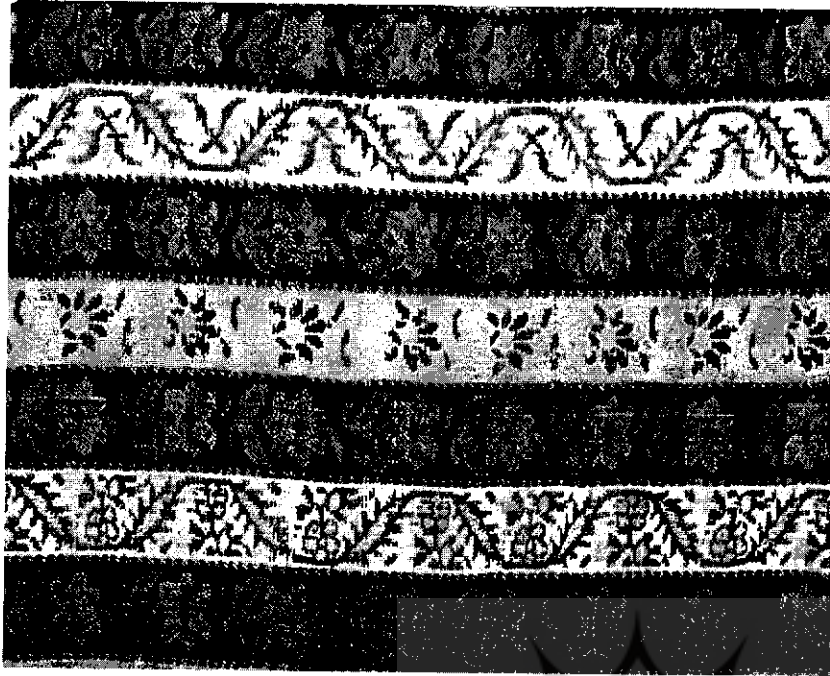
عمده‌ترین و اصلی‌ترین ماده اولیه مورد مصرف زری بافی، ابریشم طبیعی است که برای بافت زمینه از ابریشم ساده و برای نقش اندازی از نخ ابریشم با روپوش طلا یا نقره «گلابتون» استفاده می‌کنند. نخ گلابتون که هنوز از نظر زیبایی منحصر به فرد است از نظر ضخامت دارای درجاتی است که در بافت زری بسیار مؤثر است.

رنگرزی نخ‌های ابریشمی در گذشته با رنگهای طبیعی صورت می‌گرفته و امروزه نیز از رنگهای شیمیایی به میزانی بسیار محدود و در موارد خاص استفاده می‌شود. به‌طور کلی یکی از ویژگیهای چشمگیر انواع منسوجات ایرانی از جمله پارچه‌های زری استفاده از رنگهای طبیعی بوده است. طرحها و نقشهای اصیل سنتی به کار رفته در پارچه‌های زربفت برای فرش، سنگ، سفال، فلز و حتی برای نگارگری نیز استفاده می‌شوند.

تولید زری به دو صورت انجام می‌گیرد:

الف - استفاده از دستگاههای سنتی (دستوری): جزو اولین و قدیمی‌ترین دستگاههای زربفت در ایران هستند. پارچه‌هایی که با این دستگاه بافته می‌شوند، از نظر نقشه و بافت مرغوبتر هستند. دستوری از نظر شکل ظاهری تا حدودی شبیه سایر دستگاههای نساجی سنتی بوده و کار تولید توسط دو نفر (بافته و گوشواره‌کش) صورت می‌گیرد. در واقع پارچه‌های زری حاصل هماهنگی و همکاری این دو نفر است. در دستگاه دستوری گوشواره‌کش بالای دستگاه نشسته و نخ را مطابق نقشه بالا می‌کشد، تا استاد بافنده نخ‌های رنگی را طبق نقشه رد کند.

ب - استفاده از دستگاه ژاکارد: دارای سابقه طولانی نیست و به دلیل افزایش سرعت در تولید پارچه‌های زربفت و صرفه‌جویی در هزینه و وقت صنعتگران به کار گرفته شده



است. ژاکارد را می‌توان نوعی کامپیوتر ابتدایی به حساب آورد که جانشین انسان بوده و نقش گوشواره‌کش را در دستگاه دستوری انجام می‌دهد.

هنگام بافت، زری پشت و رو بافته می‌شود. یعنی در واقع پشت کار در مقابل بافنده قرار گرفته و همین امر یکی از عوامل مشکل بودن بافت زری است. بافت ساده از نقش جداست. در بافت ساده در هر رج ممکن است چند رنگ وجود داشته باشد که بافنده با فشار پاتخته (اهرم پایی)، قسمتی که تارهای رنگ مورد نظر در آن است را بالا آورده و در نتیجه دهانه تارهای مربوط به آن رنگ باز می‌شود. در حالی که دهانه رنگهای دیگر بسته است و بافنده بار کردن ماکو از دهانه، پود را میان آن تارها می‌اندازد. برای رنگهای دیگر نیز همین مراحل انجام می‌شود. حرکت ماکو به دست بافنده است که با فشار روی سر فلزی ماکو آن را به داخل دهانه هدایت کرده و از طرف دیگر بیرون می‌کشد. در زری بافی همه کارها به وسیله دست انجام می‌شود و جنبه کاملاً تخصصی دارد. مشاغل اصلی که در یک کارگاه زری وجود دارند عبارت‌اند از: ماسوره پیچ، استاد نقش‌انداز، نقشه‌خوان، استاد بافنده و گوشواره‌کش.



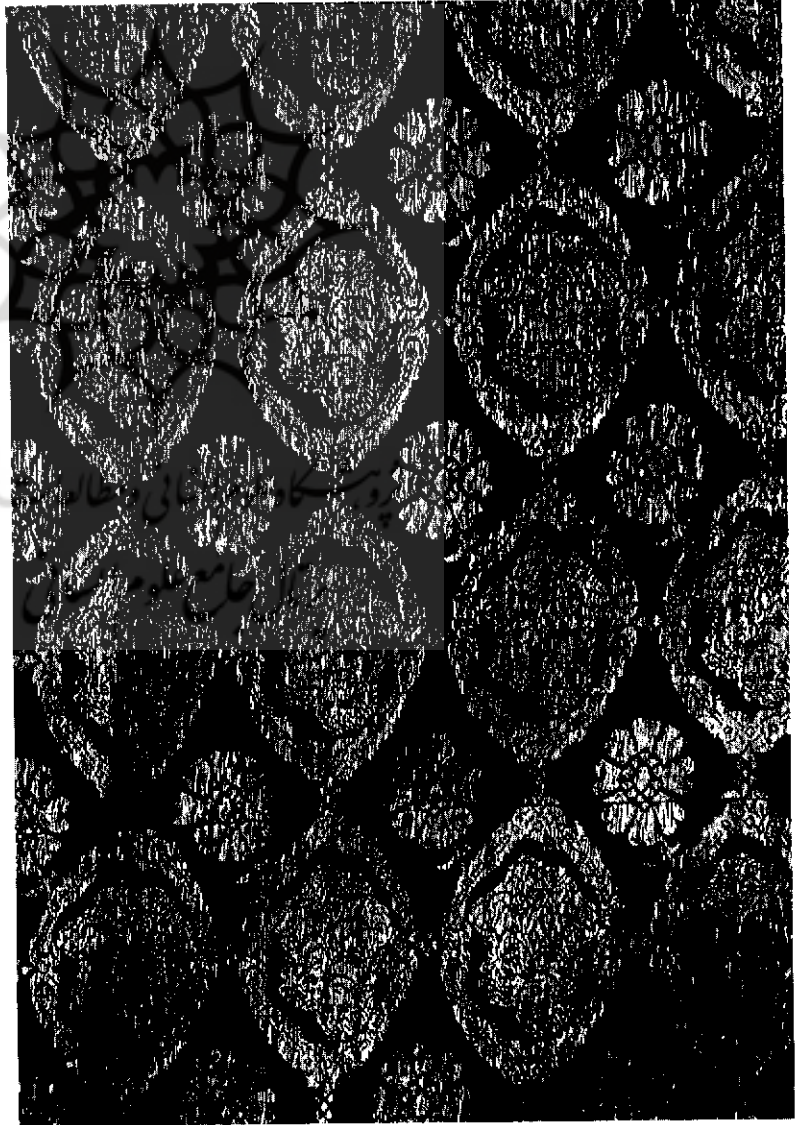
پارچه زری از نظر نوع بافت به چند گونه تقسیم می‌شود:

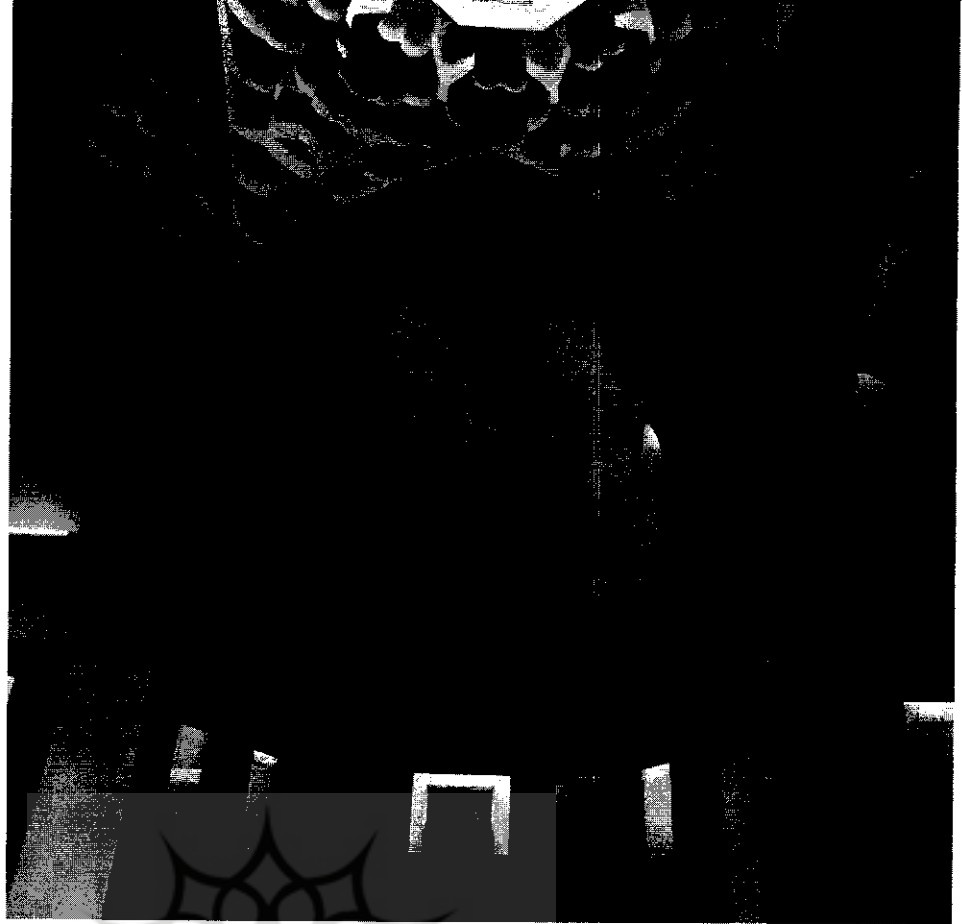
- ۱- زری اطلسی که بافت آن بسیار ظریف است.
- ۲- زری دارایی که تعداد پودهای آن بیشتر و در نتیجه پارچه ضخیم‌تر است.
- ۳- زری حصیری که بافت آن دقیقاً مانند بافت حصیر است.
- ۴- زری لُپه که در آن نقوش بافته شده شبیه گلدوزی بر روی پارچه بوده و نخهای آن کاملاً مشخص است و پشت آن هم به صورت پارچه‌ای به نظر می‌رسد که گلدوزی شده و نخها در پشت آن جمع شده‌اند. معمولاً زمینه یا بوم زری از نخ ابریشم است و گلابتون برای بود آن به کار می‌رود.

آنچه زری بافی امروز را از دیروز جدا می‌سازد، امکانات فنی بهتر و استفاده از مواد اولیه مرغوب‌تر است. پارچه زری اکنون فقط در کارگاه زری بافی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور تهیه می‌شود و یگانه تولیدکننده گلابتون در گنجینه هنرهای تزیینی اصفهان مشغول به کار است. امید است در پرتو حمایت‌های مادی و معنوی مسئولان و دستداران این صنعت کهن که از گذشتگان به ما رسیده و سابقه چندین هزار ساله دارد و رفع موانع و مشکلات موجود، شاهد پیشرفت روزافزون آن باشیم.

گنجینه هنرهای تزیینی ایران

گنجینه هنرهای تزیینی (اصفهان) یکی از مراکز مهم تاریخی از نظر قدمت ساختمان و آثار نفیس هنرهای سنتی ایران است. این موزه در عمارت صفوی رکیب‌خانه قرار دارد که در اوایل سده یازدهم هجری در زمان شاه عباس اول داخل مجموعه بناهای دولتخانه صفوی احداث شده است. این بنا بیشتر به عنوان محل نگهداری یراق آلات و لوازم سوارکاری سلطنتی مورد استفاده قرار می‌گرفته و از طریق یک راهرو اختصاصی و عبور از دروازه عالی‌قاپو به میدان نقش جهان دسترسی داشته است. در اطراف رکیب‌خانه بناهای دیگری مانند تالار اشرف در جنوب، باغ خلوت و اندرون در غرب، جُبه‌خانه در شمال و تالار طویله در شرق قرار داشته که از آن مجموعه فقط تالار اشرف باقی مانده است. پس از پایان حکومت صفوی، عمارت رکیب‌خانه به مدت طولانی متروک مانده و در دوره قاجاریه و در زمان حکومت حاج محمدخان صدر اصفهانی (که در تعمیر و حفاظت بناها و کاخهای باقی مانده از صفویه کوشش نموده است)، عمارت مذکور نیز مرمت شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در دوران حکومت مسعود میرزا (ظل‌السلطان) این بنا به سبک دوره قاجار بازسازی شده و مورد استفاده اختصاصی وی قرار گرفت. عمارت رکیب‌خانه با صرف بیش از دو سال وقت و هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد ریال و انتقال حدود چهار هزار شیء فرهنگی،





در تاریخ بیست و نهم مردادماه سال ۱۳۷۵ با عنوان «گنجینه هنرهای تزیینی ایران» افتتاح شد. این موزه دارای مساحتی بالغ بر هزار و دویست متر مربع فضای مفید و هفت بخش دائمی شامل خط و کتابت، آثار لاکه و روغنی، نگارگری ایرانی، آثار فلزی، آثار چوبی و دست‌بافته‌ها و رودوزی‌های سنتی است. منسوجات موجود در این موزه شامل نمونه‌های کم‌نظیری همچون زری، مخمل، ترمه و... می‌باشند که هر کدام از نظر نقش، رنگ و زیبایی منحصر به فرد هستند. تعداد زیادی از این منسوجات به زربفت‌ها اختصاص دارد. قدیمی‌ترین زربفت موجود در موزه متعلق به قرن هشتم هجری قمری و جدیدترین آنها مربوط به دوره معاصر است.

از دوره صفوی تعدادی نمونه پارچه زری وجود دارد که تماماً مزین به نقشهای انسانی، درختان سرو و گل‌های صافی (در یک صف به طور منظم و قرینه قرار گرفته‌اند) و نقوش محرمانه بوده و هر کدام به نوع خود از زیبایی خاصی برخوردار می‌باشند. هر کدام از این نقوش با نظم و ترتیب خاص کنار یکدیگر قرار گرفته و در بیشتر آنها حاشیه و ترنج وجود ندارد. در برخی از آنها چنان ظرافتی دیده

می‌شود که هرگز نمی‌توان گمان برد که دستهایی ساده و هنرآفرین بدون استفاده از ماشین و به دور از فناوری این چنین نقش آفریده‌اند. به همراه این مقاله نمونه‌هایی از این دست‌بافته‌های اعجاب‌انگیز را که در گنجینه هنرهای تزیینی موجود می‌باشند در مقابل دیدگان زیبایین شما قرار داده‌ایم.

منابع

روح‌فر، زهره، نگاهی بر پارچه‌های دوران اسلامی.

زری‌بافی، انتشارات سازمان صنایع دستی ایران. زکی، محمد. صنایع ایران بعد از اسلام.

شریف‌زاده، سیدعبدالمجید. «گل‌بتون»، مجله میراث فرهنگی، شماره دوم، زمستان ۱۳۶۹.

علام، اسماعیل. هنرهای خاورمیانه و دوران اسلامی، ترجمه دکتر عباسعلی تفضلی.

فریه، ردبلیو. هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان.

مژگاتی، سید حسن. گل‌های ابریشمی.

مهرپویا، جمشید. «زری‌بافی»، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۲.

یاوری، حسین. نساجی ایران.